

تکامل جایگاه هنجاری توسعه پایدار در نظام حقوق بین‌الملل

مهشید آجلی لاهیجی*

پوریا عسگری**

(DOI): 10.22066/CILAMAG.2021.245925

(DOR): 20.1001.1.2251614.1400.38.65.3.0

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

چکیده

توسعه را می‌توان محصول مشارکت و سهم‌خواهی جهان سوم از حقوق بین‌الملل تلقی کرد. در طول سال‌ها، سیری تاریخی در رابطه با تحول مفهومی و جایگاه هنجاری قواعد توسعه در حقوق بین‌الملل قابل مشاهده است. حق بر توسعه که ابتدائاً با اقتصادی و اساساً برای نگاهی صرفاً ایجاد نظم نوین اقتصادی مطرح شد، به تدریج به ابعاد مفهومی جدیدی مانند توسعه اجتماعی توجه کرد و پذیرش همین مضمون، بنیانی شد برای طرح مفاهیم دیگر مبتنی بر توسعه، مانند توسعه انسانی، توسعه هزاره و نیز توسعه پایدار. مورد اخیر در قالب الگویی برای سازندگی پایدار با ادغام سه رکن توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و محیط‌زیست، به نوعی تعین مفهوم توسعه است. می‌توان تبیین ماهیت توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل را یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات در حوزه حقوق بین‌الملل تلقی کرد. این چالش به گونه‌ای از ابتدای طرح مباحث مرتبط با حق بر توسعه در فضای حقوق بین‌الملل وجود داشته و تا امروز در این باره در میان حقوق‌دانان بین‌المللی اتفاق نظری شکل نگرفته است. با لحاظ سیر تکاملی و کارکردهای توسعه پایدار، پژوهش حاضر در قالب مطالعه توصیفی-تحلیلی، به تبیین ماهیت و رفع ابهامات در خصوص جایگاه توسعه پایدار به‌عنوان تعهد بین‌المللی در حقوق بین‌الملل می‌پردازد.

واژگان کلیدی

توسعه پایدار، حقوق بین‌الملل، حقوق نرم، اصول حقوق بین‌الملل، قاعده عرفی

* نویسنده مسئول، دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی mahshid_ajeli@yahoo.com

** دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی pouria.askary@gmail.com

مقدمه

حق بر توسعه، حقوق مدنی و سیاسی را با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت مجموعه واحد از حقوق و آزادی‌های بنیادین که همه افراد بدون تبعیض از آن برخوردارند، ممزوج می‌کند.^۱ تا مدت‌ها منظور از توسعه، صرفاً توسعه از منظر اقتصادی بود اما توسعه محض اقتصادی، مشکلاتی از قبیل نابرابری، بیکاری، فقر و عدم توزیع متوازن منافع را در پی دارد. از این رو به سایر ابعاد توسعه به‌عنوان فرایندی واحد توجه شد.^۲ طی دهه‌های گذشته، وقوع بحران‌های جدید و دست‌یازیدن به اشکال ناپایدار توسعه، بیش از پیش بر ضرورت توجه به توسعه پایدار تأکید کرده است. بر همین مبنا اقدام بسیار مهم بعدی در این رابطه، طرح بحث توسعه پایدار بود.

رایج‌ترین تعریف توسعه پایدار که همچنان غالباً مورد استناد قرار می‌گیرد، تعریف گزارش «آینده مشترک ما» در کمیسیون براتلند است^۳ که اعلام می‌کند توسعه پایدار آن است که نیازهای زمان حال را بدون به‌خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهایشان تأمین کند. «توسعه پایدار، جنبه‌ای از توسعه انسانی و در ارتباط با محیط‌زیست است».^۴ هرچند هنجارهای مرتبط با مقوله توسعه در ابتدا به برخورداری از جایگاه حقوق نرم در نظام حقوق بین‌الملل قناعت کردند، به تدریج تحولاتی در این حوزه اتفاق افتاد که در حال حاضر می‌توان قائل به لزوم بازنگری در مورد سطح الزام این تعهدات شد. این پژوهش برای پاسخ به این سؤال که با لحاظ تحولات تجربه‌شده در جریان تثبیت توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل، چه جایگاهی برای این مضمون در نظم موجود بین‌المللی قابل تصور است، به شناسایی توسعه پایدار به‌عنوان اصل حقوق بین‌الملل و تکامل آن در راستای تبدیل شدن به قاعده عرفی حقوق بین‌الملل می‌پردازد. به‌طور کلی به نظر می‌رسد «توسعه پایدار» با توجه به کارکردهایی که در نظام حقوق بین‌الملل دارد، به‌عنوان «اصل حقوقی» قابل شناسایی است. در عین حال، از آنجا که رویه فراگیر و هماهنگی در سطح جهان برای تحقق توسعه پایدار در حال شکل‌گیری است، به نظر می‌رسد که «تعهد به تحقق توسعه پایدار»، مسیر تبدیل شدن به «قاعده عرفی حقوق بین‌الملل» را پیش گرفته است. در واقع در پاسخ به مجادلات زیادی که درباره ماهیت توسعه پایدار وجود

1. United Nations General Assembly, Declaration on the Right to Development, A/RES/41/128, 4 December 1986.

۲. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

رضا اسلامی و مهشید آجلی لاهیجی؛ «چالش‌های توسعه اجتماعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۴، پاییز ۱۳۹۵.

3. Brundtland Commission, Our Common Future, Report of the World Commission on Environment and Development, 1987, para. 49

۴. عزیزی، ستار و سیدمهدی موسوی؛ « پرونده گابچیکوو - ناکیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال سی‌وسوم، شماره ۵۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۱۲.

دارد،^۵ در پژوهش حاضر برای شناسایی جایگاه دقیق حقوقی آن، با استناد به اسناد بین‌المللی و استفاده از رویه قضایی، ابتدا ماهیت توسعه پایدار به عنوان اصل و سپس به عنوان عرف بین‌المللی بررسی می‌شود.

۱. تبیین ماهیت توسعه پایدار به منزله اصل حقوق بین الملل

در حال حاضر عموماً توسعه پایدار به عنوان یکی از اصول نسبتاً نوین حقوق بین الملل معرفی می‌شود.^۶ در آموزه‌های حقوق بین الملل همواره به ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان شکل مکتوب و مورد توافق منابع حقوق بین الملل ارجاع داده شده است.

اصل، به نحوی که در ماده ۳۸ اساسنامه آمده و تحت عنوان «اصول کلی حقوق مورد پذیرش ملل متقدم» شناخته شده، باید مقبولیتی عمومی یافته و جزء تار و پود و جوهره نظام-های حقوقی باشد. حقوق بین الملل اعلام می‌کند که به چنین اصلی به عنوان یکی از منابع حقوق بین الملل احترام می‌گذارد. این اصول، منبع ثانویه حقوق بین الملل بوده و در صورت مواجهه با خلأ قاعده معاهداتی یا عرفی مورد استناد واقع می‌شوند. بدیهی است که چنین اصلی در صورت وجود معاهده یا عرف، به صورت خودکار مورد استناد نخواهد بود. با این حال، اصول کلی حقوق، به ویژه با توجه به تأثیر قابل توجهی که در پرکردن خلأها، اصلاح و تعدیل قواعد و رفع ابهامات بخصوص از طریق کارکردی که در امر تفسیر دارند، یکی از منابع ارزشمند حقوق بین الملل به شمار می‌روند.^۷

اما باید به این واقعیت توجه داشت که در حقوق بین الملل، در کنار اصول کلی نشأت گرفته از نظام‌های حقوق ملی، دسته‌ای دیگر از اصول، تحت عنوان «اصول حقوق بین الملل» وجود دارد. در واقع، اصولی در حقوق بین الملل شناسایی شده که نمی‌توانند برآمده از نظام‌های حقوق داخلی باشند. در این رابطه می‌توان به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره کرد که عبارت‌اند از اصل منع توسل به زور، اصل آزادی دریاها، اصل برابری حاکمیت‌ها، اصل تعیین سرنوشت و اصل همکاری.

۵. برای نظر مخالف، ن.ک:

Williams, Carmel and Blaiklock, Alison, "Human Rights Discourse in the Sustainable Development Agenda Avoids Obligations and Entitlements; Comment on (Rights Language in the Sustainable Development Agenda: Has Right to Health Discourse and Norms Shaped Health Goals?)", International Journal of Health Policy and Management, Vol. 5, 2016, pp. 387 - 390

۶. شمسائی، محمد؛ «حقوق بین الملل اقتصادی و اصل توسعه پایدار»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۸، شماره ۱۹، بهار ۱۳۸۵، ص

۱۱؛ عزیزی و موسوی؛ همان، ص ۱۰۹.

7. See: International Law Commission, First report on general principles of law, A/CN.4/732, 5 April 2019; International Law Commission, Second report on general principles of law, A/CN.4/741, 9 April 2020.

روشن است که تفاوت غیرقابل انکاری میان اصول اخیر با اصولی چون اصل وفای به عهد یا اصل جبران خسارت ناروا وجود دارد و آن، تفاوت در ذات بین‌المللی آن‌ها است. در حال حاضر، تقسیم‌بندی اصول کلی حقوق به اصول منشعب از نظام‌های حقوق ملی و اصول منشعب از نظام حقوقی بین‌المللی در گزارش‌های مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به اصول کلی در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ شناسایی شده و البته باید دید کمیسیون حقوق بین‌الملل در آینده با چه چالش‌هایی در به‌کرسی‌نشاندن این دیدگاه مواجه خواهد شد.^۸

مهم‌ترین تفاوت این دو دسته از اصول در این است که اصول حقوق بین‌الملل، در سیاق حقوق بین‌الملل شکل می‌گیرند.^۹ این دسته از اصول، در نوعی فرآیند قیاس یا استنتاج از قواعد حقوق بین‌الملل موجود، شناسایی می‌شوند.^{۱۰} به زعم گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، این اصول به طرق ذیل ممکن است تثبیت شوند:

(۱) آن اصل به‌طور گسترده در معاهدات و دیگر اسناد بین‌المللی شناسایی شده باشد؛

(۲) آن اصل زیربنای قواعد عام معاهداتی و حقوق بین‌الملل عرفی باشد؛

(۳) آن اصل در ذات خصوصیات اساسی و الزامات بنیادین نظام حقوقی بین‌المللی نهفته

باشد.^{۱۱}

بر همین اساس، سایر منابع حقوق بین‌الملل از جمله حقوق نرم را می‌توان منشأ شکل‌گیری اصول حقوق بین‌الملل قلمداد کرد. این موضوع در گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به اصول کلی حقوق در قالب لزوم شناسایی اصل در سطح وسیع تصریح شده است.^{۱۲} می‌توان نحوه کارکرد یک اصل حقوق بین‌الملل را در قضیه گابچیکوو-ناگیماروس شاهد بود. در این پرونده، دیوان بین‌المللی دادگستری به این نکته توجه داد که در حقوق بین‌الملل «معیارها و هنجارهای جدیدی شکل گرفته که نه فقط در زمانی که کشورها مترصد انجام اقدامات جدید هستند، بلکه همچنین در زمان‌هایی که در حال ادامه فعالیت‌های آغاز شده در گذشته هستند باید مورد توجه قرار گیرد».^{۱۳} از این رو دیوان در رأی خود طرفین را ملزم می‌کند که طرح گابچیکوو-ناگیماروس را از منظر تأثیرات زیست‌محیطی و بر مبنای توسعه پایدار مجدداً بررسی کنند. هرچند در آن دوره که دیوان به این قضیه رسیدگی می‌کرد، از توسعه پایدار

8. *Ibid.*

9. *Ibid.* para. 189.

10. *Ibid.* para. 173.

11. International Law Commission, Second report on general principles of law, A/CN.4/741, 9 April 2020, para. 171.

12. *Ibid.* para. 122.

13. International Court of Justice, Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, 25 September 1997, para. 140

به عنوان «مفهوم» یاد شد - که این امر انتقاد جدی برخی حقوق دانان را در پی داشت -^{۱۴} در همان زمان، قاضی ویرامانتری در نظر جداگانه خود، توسعه پایدار را به صورت دقیق تر به بحث گذاشت و آن را یک اصل حقوق بین الملل و دارای ارزش هنجاری و منطقی معرفی نمود که به واسطه کاربرد و پذیرش قابل توجهی که دارد، می تواند به عنوان یکی از قواعد حقوق بین الملل عرفی شناسایی شود.^{۱۵} از همین رو در گزارش کمیسیون، مهم ترین تفاوتی که بین شکل گیری اصل حقوق بین الملل با قاعده عرفی مورد توجه قرار گرفته این است که قاعده عرفی نیازمند وجود رویه هماهنگ است و وجود اصل کلی حقوق، وابسته به شناسایی شدن توسط جامعه جهانی است.^{۱۶}

در حال حاضر نیز برخی معتقدند که توسعه پایدار صرفاً یک مفهوم در حقوق بین الملل است که می تواند در راستای تعیین محتوای سایر قواعد و به عنوان مبنایی برای تفسیر تکاملی معاهدات یا حل تعارض میان هنجارها و منافع و حتی تجدیدنظر در محتوای برخی تعهدات معاهداتی عمل کند.^{۱۷} اما با توجه به همین کارکردها مشخص است محتوای هنجاری توسعه، پتانسیلی فراتر از تأثیرگذاری هرمنوتیک در حقوق بین الملل دارد.^{۱۸} داشتن چنین کارکردهایی در کنار انعطاف موجود در الزامات توسعه، برخی و از جمله نویسندگان این سطور را واداشته تا ماهیت آن را در قالب یکی از اصول حقوق بین الملل تبیین کنند، چون اصولاً اصل نسبت به قاعده انعطاف بیشتری دارد. اصول را می توان رابط میان ارزش ها و وظایف یا واسطه ضروری آرمان ها برای پیدا کردن راه شان به سمت قواعد سخت تلقی کرد.^{۱۹} «اصل، خلأ یا ابهام قواعد را رفع می کند، در تفسیر نقش مؤثر داشته و از این رو روزه ای به سوی تحقق عدالت است. اصول، مبنایی وضع قواعد و انعقاد معاهدات جدید محسوب می شوند و همچنین، مبنایی برای خودمحدودسازی ایجاد می کنند».^{۲۰}

14 . Lowe, Vaughan, "Sustainable Development and Unsustainable Arguments", in: A. Boyle and D. Freestone (eds.), *International Law and Sustainable Development: Past Achievements and Future Challenges*, 1999, pp. 19-21.

15 . International Court of Justice, Op. cit., Separate Opinion of Vice-President Weeramantry, pp. 92 – 95.

۱۶ . برای بررسی جزئیات بیشتر، ن.ک:

International Law Commission, Second report on general principles of law, A/CN.4/741, 9 April 2020, paras. 159 – 170.

17 . Harris, Jonathan M., "Basic Principles of Sustainable Development", Global Development Institute, Working Paper 00-04, 2000, p. 16.

18 . Hukkinen, Janne, "Sustainability Scenarios As Interpretive Frameworks for Indicators of Human-Environment Interaction", In: P. Lawn (ed.), *Sustainable Development Indicators in Ecological Economics*, Edward Elgar, 2006, pp. 291-316.

19. Verschuuren, Jonathan, "Sustainable Development and the Nature of Environmental Legal Principles", *Potchefstroom Electronic Law Journal*, Vol. 9, 2006, p. 22.

20 . *Ibid.*, p. 14.

۲. شناسایی مسیر حرکت توسعه پایدار به سوی قاعده عرفی حقوق بین‌الملل

در بخش قبل مشخص شد که توسعه پایدار با توجه به کارکردهایش و خصوصیات در نظر گرفته شده برای شکل‌گیری اصول، یک اصل حقوق بین‌الملل است و دولت‌ها ملزم‌اند این اصل را در اقدامات و تصمیمات خود مراعات کنند. بر همین اساس و با توجه به شکل‌گیری رویه کلی در ارتباط با تلاش برای توسعه پایدار، فرضیه عرفی شدن این تعهد قابل بررسی است.

به‌طور کلی از جمله مهم‌ترین بسترهایی که توانست خلأهای قانونی و نیز چالش‌های حقوق بین‌المللی در ورطه قاعده‌سازی را با خارج کردن این حوزه از انحصار دولت‌ها برطرف کند، بنیان‌نهادن سازمان‌های بین‌المللی بود. تبدیل مواردی مانند قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های سازمان‌های بین‌المللی به معاهدات ۲۱ و عرف بین‌المللی به‌عنوان منابع حقوق بین‌الملل، باعث پر کردن بسیاری از خلأهای حقوقی شد.^{۲۲}

برای دولت‌هایی که با رهایی از استعمار، خود را به‌سختی در بطن نظم جهانی موجود گنجانده بودند، بدیهی است که برابری، شفاف‌ترین تقاضا محسوب می‌شد. در این میان «غرب، بی آنکه هرگز شیفته و شیدای پیشرفت و ترقی ملت‌ها باشد، بی‌درنگ مالک بلامنازع فرمول-های نظام اقتصادی بین‌المللی جدید و حق بر توسعه شد. نمایندگان آن، نگران اینکه در زمینه گذشت و سخاوت عقب بمانند، با صمیمیتی متلون، همراه کشورهای گسسته‌زنجیر، فریاد عدالت و برابری سردادند».^{۲۳} در عین حال، با ظهور تروریسم، سلاح هسته‌ای و ... جهان شروع به تجربه مسائلی کرده بود که به‌صورتی کاملاً تدریجی، او را به اندیشه سرنوشت مشترک بشری می‌رساند.^{۲۴} بنابراین، حقوق نرم در شمایل قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، وسیله‌ای برای تحقق این مطالبات جهانی قرار گرفت. هرچند که این عقیده، مخالفان جدی در میان برخی حقوق‌دانان دارد، «در مواردی قطعنامه‌های مجمع عمومی می‌توانند حقوق عرفی را مشخص نموده و نیز می‌توانند اصول و قواعد موجود حقوق بین‌الملل را گسترش داده و بر آن مهر تأیید بزنند».^{۲۵} کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در گزارش خود راجع به شناسایی حقوق عرفی، به امکان استنباط هر دو عنصر مادی و معنوی عرف از قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی پرداخته است.^{۲۶}

21. For Example, See: United Nations General Assembly, Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, A/RES/3/260, 9 December 1948; United Nations General Assembly, Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, A/RES/39/46, 10 December 1984

22. Alvarez, José E., *International Organizations as Law-makers*, Oxford University Press, New York, 2005, p. 614

23. ژانرو، مونیک شمیلیه؛ بشریت و حاکمیت‌ها: سیری در حقوق بین‌الملل، ترجمه: مرتضی کلاتریان، آگاه، ۱۳۸۲، ص ۳۳۱.

24. فلسفی، هدایت‌الله؛ صلح جاویدان و حکومت قانون: دیالکتیک همانندی و تفاوت، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۰، ص ۴۸۴.

25. Wang, Tiewa, "The Third World and International Law", in: *Selected Articles from Chinese Yearbook of International Law*, Beijing, 1983, pp. 23 – 24.

26. United Nations, Draft conclusions on identification of customary international law, with

در حال حاضر به نظر می‌رسد با توجه به رویه فراگیر به تحقق تعهدات راجع به توسعه، می‌توان توسعه پایدار را در مسیر تبدیل شدن به قاعده عرفی قلمداد کرد. بدیهی است که برای ایجاد عرف بین‌المللی، به جمع دو عنصر رویه متحدالشکل و اعتقاد به الزام حقوقی به عنوان عناصر مادی و معنوی عرف نیاز است. بر این اساس، احراز وجود نوعی عملکرد بسیار گسترده و هماهنگ میان دولت‌های جهان، سازمان‌های بین‌المللی و سایر نهادها و کنشگران در رابطه با تحقق توسعه نیاز است که البته عنصر اعتقاد به الزام حقوقی برای الحاق به آن در جهت شکل‌گیری عرف بین‌المللی نیز در قالب تدوین حجم بالای قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در رابطه با موضوع به‌ویژه با مشارکت زیاد دولت‌های سرتاسر جهان می‌تواند استنباط شود. رویه کنشگران متنوع در تحقق توسعه پایدار و در نهایت، بررسی این تعهد در قالب آرای نهادهای حل اختلاف نیز می‌تواند نشان‌دهنده سطح قابل توجه التزام به توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل امروز باشد.

۲-۱. رویه کلی مشترک و هماهنگ تابعان حقوق بین الملل

هرچند در خصوص توسعه پایدار همواره این شائبه وجود دارد که ذیل آن رفع نیاز گروه خاصی از دولت‌ها یعنی کشورهای جنوب پیگیری می‌شود که این موضوع می‌تواند عمدتاً ناشی از طرح بنیان‌های آن در قالب حق بر توسعه باشد، در حال حاضر باید پذیرفت که گستره این اصل، ابعاد بسیار وسیع‌تری پیدا کرده است.

دولت‌ها برای اولین بار در سند «دستور کار ۲۱» در ۱۹۹۲ پذیرفتند که راهبردهای ملی برای توسعه پایدار تعبیه کنند و بعدها بر این تعهد در اسناد متعدد دیگر هم تأکید شد. در حال حاضر، در کشورهای سراسر دنیا این قبیل سیاست‌گذاری‌ها و ورود موضوع توسعه پایدار به حوزه قوانین داخلی قابل مشاهده است؛^{۲۷} طراحی برنامه‌های عملی ملی راجع به ملاحظات زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی برای بازه‌های مشخص زمانی، در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مورد توجه است،^{۲۸} از معیارها و شاخص‌هایی برای ارزیابی شرایط و ارائه گزارش مستمر توسط دولت‌ها به نهادهای بین‌المللی استفاده می‌شود،^{۲۹} ارکان و نهادهای متعددی در سطح داخلی برای اجرا و نظارت بر توسعه پایدار شکل گرفته است و در سطوح منطقه‌ای همکاری‌هایی در این

commentaries, 2018, Conclusion 6 and 10.

27. OECD, Good practices in the national sustainable development strategies of OECD countries, 2006, p. 10

28. For Example, See: Viana, Virgilio M., "Sustainable Development in Practice: Lessons Learned from Amazonas", International Institute for Environment and Development, 2010, pp. 11 - 30

29. Bexell, Magdalena and Josson, Kristina, "Country Reporting on the Sustainable Development Goals—The Politics of Performance Review at the Global-National Nexus", Journal of Human Development and Capabilities, Vol. 20, 2019, pp. 403 - 417

رابطه به صورت هماهنگ در میان دولت‌ها صورت می‌گیرد.^{۳۰}

علاوه بر اقدامات دولت‌ها در این زمینه، همکاری قابل توجهی نیز در سطح خود سازمان‌های بین‌المللی اعم از دولتی و غیردولتی به این منظور شکل گرفته است. البته در امکان استناد به رویه سازمان‌ها و سایر تابعان غیردولت در رابطه با عرف تشکیک‌هایی وجود دارد اما به هر روی می‌توان از عملکرد آنان به عنوان مؤید وجود رویه کلی مترتب بر عملکرد دولت‌ها و ناشی از خواست و توافق دولت‌ها استفاده کرد.^{۳۱} کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز استفاده از عملکرد و مصوبات سازمان‌ها برای احراز عرف را تأیید می‌کند.^{۳۲} تلاش برای ترغیب شرکت‌های بزرگ و قدرتمند در سرتاسر دنیا به قبول داوطلبانه تعهداتی ذیل توسعه پایدار و حتی گزارش‌دهی در این رابطه نیز می‌تواند حاکی از اهمیت زیاد محتوای توسعه پایدار برای کل جامعه جهانی باشد.^{۳۳} به نوعی یک شبکه مهم و فراگیر همکاری در سطح جهانی برای تحقق همه‌جانبه توسعه پایدار در حال فعالیت است که می‌تواند به روشنی حکایت‌گر این امر باشد که مدت‌های مدیدی است که توسعه پایدار از حوزه مطالبات کشورهای جنوب فراتر رفته، مزایا و منافع قابل توجهی برای کشورهای شمال دارد و بدین ترتیب به دغدغه جهانی تبدیل شده است.^{۳۴}

بدون شک، سازمان ملل متحد شامل برنامه‌ها، صندوق‌ها و مؤسسات تخصصی وابسته به آن، نقش بسیار مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه پایدار داشته است. صندوق‌ها و برنامه‌های ملل متحد، در سطوح ملی با ارائه مشاوره‌های عملیاتی به اتخاذ سیاست‌های مساعد از سوی دولت‌ها و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای کمک می‌کنند. مؤسسات تخصصی نیز هرچند دستور الزامی از مجمع عمومی نمی‌گیرند و ساختار سازمانی مشخص خود را دارند، همگی بر اساس دستور کار خود از حیث عملی و هنجاری، در پیشبرد اهداف توسعه مؤثر هستند؛ همچنین مبالغ قابل توجهی را در درون کشورها برای توسعه صرف می‌کنند.^{۳۵}

علاوه بر این، رکن شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد دارای مسئولیت اصلی برای

30. OECD, op. cit., p. 20.

31. United Nations General Assembly, Identification of customary international law, A/RES/73/203, 2019

32. United Nations, Draft conclusions on identification of customary international law, with commentaries, 2018, Conclusion 4.

33. Izzo, Maria Federica and et. al., "The Challenge of Sustainable Development Goal Reporting: The First Evidence from Italian Listed Companies", Sustainability, Vol. 12, 2020, p. 3494.

۳۴. بدیهی است که منظور از این مزایا صرفاً رشد و توسعه اقتصادی نیست و البته توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی به هیچ عنوان مترادف محسوب نمی‌شود. معمولاً توسعه به واسطه رشد اقتصادی پشتیبانی می‌شود. در حالی که رشد اقتصادی بر بسیج منابع برای افزایش سطح تولید ملی تأکید دارد و لازمه توسعه است، توسعه اقتصادی به تغییری جهت ارتقای کیفیت زندگی افراد نظر دارد.

۳۵. برای مثال، اخیراً صندوق بین‌المللی پول با شناسایی وضعیت بحرانی ناشی از شیوع بیماری کرونا، مبلغ ۵۰ میلیارد دلار جهت تأمین مالی تسهیلات اورژانسی در کشورهای در حال توسعه اختصاص داد. (United Nations, Financing for Sustainable Development report, Report of the Inter-agency Task Force on Financing for Development, 2020, p. 4)

پیگیری نتایج کنفرانس‌های مهم قبلی در خصوص توسعه پایدار است. برای مثال، به‌طور خاص، کمیسیون توسعه پایدار،^{۳۶} نهادی بود که پیرو اجلاس ریو ۱۹۹۲ به‌عنوان نهاد خاص برای پیگیری دستاوردهای اجلاس زمین تشکیل شده بود که در حال حاضر با رکن تبادل نظر رده-بالای سیاسی توسعه پایدار^{۳۷} که تأسیس آن در کنفرانس ریو ۲۰۱۲ مورد توافق قرار گرفت، جایگزین شده است که در ارتباط نزدیک با شورای اقتصادی و اجتماعی فعالیت نموده و ضمن بررسی وضعیت آرمان‌های توسعه پایدار، به انجام مذاکرات سیاسی و اعلام بیانیه‌هایی در این خصوص می‌پردازد.

دپارتمان اقدامات اقتصادی و اجتماعی^{۳۸} نیز دارای دستور کاری برای تحقق توسعه است و اساساً دارای بخشی به نام بخش آرمان‌های توسعه پایدار^{۳۹} است که به نوعی به‌عنوان دبیرخانه آرمان‌های توسعه پایدار در راستای تحقق اهداف آن و مسائل موضوعی آن شامل آب، انرژی، اقیانوس‌ها، شهرنشینی و فناوری، به‌ویژه به‌واسطه فراهم کردن اطلاعات و انجام هماهنگی‌ها، ظرفیت‌سازی می‌کند.

در حال حاضر ملل متحد، اقدامات سیستم خود در راستای توسعه را از جمله شامل اعطای کمک‌های بین‌المللی در قالب گروه توسعه پایدار ملل متحد^{۴۰} برای انسجام و هماهنگی بیشتر سامان‌دهی کرده است. این گروه به‌عنوان رکن رده‌بالا برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری مشترک فعالیت می‌کند و اقدامات توسعه‌ای ۱۶۲ کشور و ۳۴ آژانس، صندوق و برنامه ملل متحد را هدایت، پشتیبانی و هماهنگ می‌کند. دستور کار این نهاد، مصوب قطعنامه سال ۲۰۱۸ مجمع عمومی سازمان ملل است.^{۴۱} تأسیس این نهاد تا حد زیادی می‌تواند یکی از مهم‌ترین انتقاداتی را که متوجه پراکندگی و گاهی حتی هم‌پوشانی عملکرد نهادهای وابسته به ملل متحد برای توسعه پایدار می‌شد،^{۴۲} برطرف کند.

علاوه بر سازمان‌های جهانی، برخی سازمان‌های منطقه‌ای هم همکاری و تلاش قابل‌توجهی برای تحقق توسعه پایدار دارند. بدون شک، توسعه پایدار، هدف جهانی است و تنها در قالب اقدام جمعی مبتنی بر همکاری و مشارکت همگانی قابل تحقق است. از این‌رو نباید نقش مؤثر و

36. Commission on Sustainable Development (CSD)

37. United Nations High-level Political Forum on Sustainable Development (HLPF)

38. Department for Economic and Social Affairs (DESA)

39. Division for Sustainable Development Goals (DSDG)

40. United Nations Sustainable Development Group (UNSDG)

41. United Nations General Assembly, Repositioning of the United Nations development system in the context of the quadrennial comprehensive policy review of operational activities for development of the United Nations system, A/RES/72/279, 2018, paras. 3 and 17.

42. Fues, Thomas and et. al., "The Role of the United Nations in the Global Development Architecture: Steps Towards Greater Coherence", Annual Meeting 2007 of the Academic Council on the United Nations System (ACUNS), June 6-8, 2007, p. 2.

کلیدی سازمان‌های غیردولتی را نیز در این میان نادیده انگاشت.

۲-۲. تکوین و تکامل شناسایی تعهد به توسعه پایدار در اسناد بین‌المللی متعدد (از حقوق نرم تا معاهدات بین‌المللی)

پس از گزارش براتلند^{۴۳} و تصویب قطعنامه‌هایی با عنوان منشور حقوق و تکالیف دولت‌ها^{۴۴} و نظم بین‌المللی نوین اقتصادی،^{۴۵} پذیرش اعلامیه راجع به حق بر توسعه در ۱۹۸۶ و کنفرانس جهانی ملل متحد درباره حقوق بشر در ۱۹۹۳ در وین، موضوع التزام به توسعه، همواره در کنفرانس‌ها و اجلاس‌های مهم و متعدد جهانی دیگر نیز مورد تأکید قرار گرفت.^{۴۶}

اما به‌طور خاص، در مورد توسعه پایدار، گزارش ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه، اولین بار به اصولی راهبردی برای توسعه پایدار اشاره می‌کند. تهیه این گزارش منجر به اتخاذ تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر ایجاد کنفرانس سازمان در خصوص محیط‌زیست و توسعه در ریودوژانیرو شد.^{۴۷} اعلامیه ریو ۱۹۹۲ با طرح موضوع توسعه پایدار در یک اعلامیه اتخاذی به اتفاق آراء، یک گام به جلو برداشت. در برنامه عمل ۲۱ ذیل همان کنفرانس، دولت‌ها متعهد به توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل در زمینه توسعه پایدار، به‌واسطه برقراری تعادل بین دغدغه‌های زیست محیطی و توسعه‌ای شدند.^{۴۸}

در ۱۹۹۷ اجلاس ریو + ۵ در نیویورک به منظور ارزیابی نتایج حاصل از ریو ۱۹۹۲ برگزار و عنوان شد که اگرچه نتایج مثبتی حاصل شده، در اجرا تا حدودی هم ناموفق بوده است. اعلامیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ در درک اصل توسعه پایدار به‌ویژه از طریق تلاشی که برای ادغام اهداف اعلامیه هزاره با موضوعات توسعه پایدار صورت گرفت، مؤثر بود.

اجلاس ریو + ۲۰ که در بیستمین سالگرد برگزاری ریو ۱۹۹۲ در ریو منعقد شد، از مهم‌ترین کنفرانس‌های راجع به توسعه پایدار محسوب می‌شود.^{۴۹} سند نهایی اجلاس از جهت تأکید صریح آن بر پیوند لاینفک میان ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار، قابل توجه است. در همین راستا برای تحقق

43. Brundtland Commission, Our Common Future, Report of the World Commission on Environment and Development, 1987.

44. United Nations General Assembly, Charter of Economic Rights and Duties of States, A/RES/29/3281, 12 December 1974.

45. United Nations General Assembly, Declaration on the Establishment of a New International Economic Order, A/RES/S-6/3201, 1 May 1974.

46. از جمله کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه در قاهره یا اجلاس سران راجع به توسعه اجتماعی در کپنهاگ.

47. United Nations Conference on Environment and Development (UNCED), Rio de Janeiro, 3 - 14 June 1992.

48. United Nations Conference on Environment and Development, agenda 21, 1992.

49. United Nations Conference on Sustainable Development, A/CONF.216/16, Rio de Janeiro, Brazil, 20 - 22 June 2012.

آرمان‌های توسعه پایدار، به مشارکت و همکاری دولت و مردمان اشاره شده است. در سطح منطقه‌ای نیز توسعه پایدار روند تکاملی خود را پیش گرفته است؛ اعلامیه سانتاکروز مصوب نشست کشورهای امریکایی صراحتاً به توسعه پایدار با محوریت موجودات بشری توجه کرده است.^{۵۰} همچنین ماده ۳۷ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا در دسامبر ۲۰۰۰ اصل توسعه پایدار را در سیاست‌های اتحادیه گنجانده است.^{۵۱}

با توجه به نتایج تلاش‌ها برای رسیدن به آرمان‌های توسعه هزاره، در ۲۰۱۵ نیز ۱۷ آرمان توسعه پایدار، ذیل سند آرمان‌های ۲۰۳۰ مورد توافق کلیه دولت‌های عضو ملل متحد واقع شد تا مسیر فعالیت‌ها در بازه زمانی ۲۰۳۰-۲۰۱۶ را روشن کند.^{۵۲} در حال حاضر سالانه گزارشی در خصوص میزان پیشرفت کشورها در تحقق آرمان‌های توسعه پایدار ارائه می‌شود که داده‌ها و آمارهای بسیار جالب‌توجهی را در این زمینه در برمی‌گیرد.^{۵۳}

علاوه بر این در جدیدترین اقدامی که در خصوص سیر تکاملی شناسایی حق بر توسعه در حقوق بین‌الملل انجام شده است، کارگروه ملل متحد در موضوع حق بر توسعه در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۰ اولین پیش‌نویس کنوانسیون حق بر توسعه را منتشر کرد.^{۵۴} در مقدمه این سند، تحقق حق بر توسعه به منزله دغدغه مشترک بشریت دانسته شده که پایداری به زمامداری و حاکمیت قانون را ادغام می‌کند؛ مردم را صاحبان حق، و دولت و جامعه بین‌المللی را متعهد به تضمین حق اعلام می‌کند و دو نهاد بین‌المللی موجود و فعال در زمینه حق بر توسعه یعنی کارگروه ملل متحد در موضوع حق بر توسعه و نهاد تازه تأسیس سازوکار کارشناسی راجع به حق بر توسعه را متولی اجرای کنوانسیون معرفی می‌کند که می‌تواند گام مهمی در انسجام فعالیت‌ها برای نیل به نتیجه-ای متقن باشد.^{۵۵} تدوین پیش‌نویس و تصویب احتمالی کنوانسیون می‌تواند دستاورد بزرگی در زمینه روشن‌شدن محتوا و ماهیت دقیق حق مزبور، و در نهایت تحقق حق بر توسعه مردمان در سراسر جهان باشد. در متن این سند، با تأکید بر حقوق بین‌الملل موجود از جمله اعلامیه ۱۹۸۶ تلاش شده غالب ابهامات در خصوص محتوا و الزامی بودن این تعهد، برطرف شود.^{۵۶} فارغ از اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های متعددی که راجع به محتوای توسعه پردازش شده، به کرات،

50. Heads of State and Government of the Americas, Declaration of Santa Cruz de la Sierra, 1996.

51. European Union, The Charter of Fundamental Rights of the European Union, 2000.

52. United Nations, Transforming Our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development, A/RES/70/1, 2015

53. United Nations, Sustainable Development Goals Report, 2020

54. United Nations, Draft Convention on the Right to Development, with commentaries, A/HRC/WG.2/21/2/Add.1, 20 January 2020.

55. Schrijver, Nico, "A New Convention on the Human Right to Development: Putting the Cart Before the Horse?", Netherlands Quarterly of Human Rights, Vol. 38, No. 2, 2020, p. 92.

56. United Nations, Draft Convention on the Right to Development, with commentaries, Op.cit., Commentary on Art. 1 and 4.

توسعه پایدار در حقوق معاهدات وارد شده است. در حال حاضر، تعداد قابل توجهی از موافقت‌نامه‌های چندجانبه، توسعه پایدار را در خود گنجانده و اهداف و آرمان‌های آن را موضوع تعهدات حقوقی خود قرار داده‌اند. رژیم بین‌المللی تغییر اقلیم، ارجاع ویژه‌ای به مسئله تحقق توسعه پایدار می‌دهد.^{۵۷} کنوانسیون چارچوب ملل متحد برای تغییر اقلیم و نیز پروتکل کیوتو در این ارتباط قابل ملاحظه است. به تحقیق، تصویب کنوانسیون تغییر اقلیم و پروتکل کیوتو می‌تواند به‌عنوان تعهد جهانی به توسعه پایدار دیده شود.^{۵۸} همچنین معاهده منشور انرژی ۱۹۹۴، موافقت‌نامه سابق تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)، سند تأسیس سازمان تجارت جهانی ۱۹۹۴، بیانیه باربادوس ۱۹۹۴ و برنامه عمل کنفرانس جهانی راجع به توسعه پایدار کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه، سند تأسیس اتحادیه اروپا و توافق کوتونو بین اتحادیه اروپا و گروه کشورهای آفریقا، کارائیب و پاسفیک، نمونه‌های بیشتری برای نشان‌دادن پذیرش گسترده توسعه پایدار در معاهدات بین‌المللی هستند. هرچند انعطاف محسوس موجود در عبارت‌بندی قواعد راجع به توسعه، برخی را واداشته در التزام به آن به منزله قاعده معاهداتی تشکیک کنند،^{۵۹} عده‌ای دیگر به‌صراحت اعلام می‌کنند که «این مسئله نباید مانعی در برابر الزام و اعتبار این قاعده حقوقی باشد چرا که تعهدی بر دولت‌ها در رابطه با «تلاش برای دستیابی» توسعه پایدار تحمیل می‌کند. چنین تعهدی تعهد به وسیله است و این مسئله آن را از بهره‌مندی از وصف الزامی بودن محروم نمی‌کند».^{۶۰}

شکی نیست که غالب اسنادی که موضوع توسعه پایدار را پرورانده‌اند، در شمایل حقوق نرم شکل گرفته‌اند. اما دولت‌ها متوجه شده‌اند که حقوق نرم می‌تواند به‌تدریج سخت شده و تبدیل به تعهدات حقوقی کاملاً الزامی در قالب حقوق بین‌الملل معاهداتی و عرفی شوند. به این ترتیب، اسناد غیرالزامی می‌توانند به آغاز فرآیند مذاکره کمک کرده، نشان‌دهنده سود حاصله از اقدام در این زمینه برای دولت‌ها باشند و نیز به‌صورت موقت، اصول راهنمایی برای حل مسئله تا زمان امضای معاهده اصلی ارائه دهند.^{۶۱}

در استناد به اسناد به‌عنوان تأمین‌کننده عنصر معنوی عرف بین‌المللی، ذکر دیدگاه راجع به امکان ایجاد «عرف آنی» هم بسیار قابل توجه است. در این دیدگاه، زمانی که تابعان نظام

57. Voigt, Christina, *Sustainable Development as a Principle of International Law*, Martinus Nijhoff Publishers, 2009, p. 20.

58. Sands, Philippe, "International Law in the Field of Sustainable Development", in: *British Yearbook of International Law*, Vol. 65, 1994, p. 304.

59. Verschuuren, Jonathan, *op. cit.*, p. 13.

60. Barral, Virginie, "Sustainable Development in International Law: Nature and Operation of an Evaluative Legal Norm", *European Journal of International Law*, Vol. 23, No. 2, 2012, p. 385.

61. French, Duncan, "International guidelines and principles", in: A. F. Munir Maniruzzaman, Aaron Schwabach, Arthur John Cockfield, A. Dan Tarlock, John C. Dernbach and Gabriela Maria Kutting (eds.), *International Sustainable Development Law*, EOLSS/UNESCO, Vol. 3, 2010, pp. 309 – 310.

حقوقی به وجود قاعده‌ای احساس نیاز کنند، عرف آنی شکل می‌گیرد و مذاکرات و تصویب‌های متعدد بعدی برای آماده‌سازی اذهان است. در چنین فرآیندی، عملکرد یا رویه، متعاقب اعتقاد به الزام حقوقی به وجود می‌آید.^{۶۲}

۲-۳. التزام به توسعه پایدار در رویه نهادهای حل اختلاف بین‌المللی

یکی از بارزترین نمودهای پذیرش مفهوم جدید در نظام حقوقی، نفوذ آن در رویه محاکم و آرای قضایی است. رویه قضایی می‌تواند نشان‌دهنده حوزه و کارکرد یک مفهوم یا قاعده جدید باشد. در مواردی دادگاه‌ها با توجه به جایگاهی که در نظام حقوقی دارند، در تثبیت یک مفهوم در نظام حقوقی نقش داشته و حتی با درک نیاز جامعه در این راستا پیشگام بوده‌اند. هرچند دیوان بین‌المللی دادگستری مصرأ در قضایای مختلف مثل قضیه آفریقای جنوب غربی به این مسئله توجه می‌دهد که تمایلی به خلق قاعده ندارد،^{۶۳} نهاد مزبور از امکاناتی برخوردار است که ذیل آن می‌تواند به احراز اصول و قواعدی اقدام کند که پیش‌تر صراحتاً اعلام نشده بودند.

بر مبنای کارکردهای پیش‌گفته برای رویه قضایی، بررسی مواجهه نهادهای قضایی بین‌المللی با توسعه پایدار در قالب برخی مثال‌ها می‌تواند اثبات‌کننده اعتقاد به الزام آن باشد.

دیوان بین‌المللی دادگستری اولین بار در ۱۹۹۷ در قضیه گابچیکو-ناگیماروس توسعه پایدار را صراحتاً شناسایی کرد. موضوع اختلاف مربوط به قراردادی بین مجارستان و چکسلواکی بود که برای احداث آب‌بندهایی روی رودخانه دانوب در ۱۹۷۷ مورد توافق طرفین قرار گرفت. در ۱۹۸۹ مجارستان به علت انتقادات زیست‌محیطی که به ساخت سد وارد می‌شد، اقدامات خود را در این زمینه به حالت تعلیق درآورد و در نهایت در ۱۹۹۲ قرارداد را فسخ کرد. در نتیجه، چکسلواکی هم با منحرف کردن جریان آب رودخانه، به اجرای پروژه جدیدی اقدام کرد که برخی منافع مجارستان در استفاده از رودخانه را متأثر می‌کرد.

در رسیدگی به این اختلاف هرچند دیوان در رأی خود، فسخ یکجانبه قرارداد را بی‌اعتبار دانست، در متن حکم، زمانی که به بیان استدلال‌های لازم برای رسیدن به نتیجه نهایی پرداخت، توسعه پایدار را به این صورت معرفی کرد و دولت‌ها را به توجه به آن فراخواند: «طی سال‌ها، انسان برای اقتصاد و سایر مسائل مداوماً در طبیعت مداخله کرده است. در گذشته، این کار بدون در نظر گرفتن اثرات آن بر محیط‌زیست انجام می‌شد. بر مبنای دیدگاه‌های جدید علمی و آگاهی فزاینده از خطرات آن برای انسان ... هنجارها و معیارهای نوینی توسعه داده شده و طی دو دهه اخیر در اسناد زیادی مطرح شده است. این هنجارهای نوین باید مورد توجه قرار گیرد و به آن

62. Barral, Virginie, *op. cit.*, pp. 387 – 388.

63. International Court of Justice, South West Africa Cases (Liberia v. South Africa; Ethiopia v. South Africa), Judgment, 18 July 1966, para. 57.

اهمیت کافی داده شود، نه فقط زمانی که دولت‌ها مترصد انجام اقدامات جدیدند، بلکه وقتی هم که در حال پیگیری اقدامات گذشته خود هستند. نیاز به سازگار کردن توسعه اقتصادی با حفاظت از محیط‌زیست، به‌درستی در محتوای توسعه پایدار لحاظ شده است. در قضیه حاضر، معنای آن این است که طرف‌ها باید مجدداً با هم اثرات عملیات خود را بر محیط‌زیست بازبینی کنند.^{۶۴}

قضیه دیگری که به دیوان فرصتی برای نقش‌داشتن در تثبیت جایگاه توسعه پایدار در نظام حقوق بین‌الملل داد، قضیه کارخانه خمیر کاغذ بود. موضوع این پرونده، اختلاف میان اروگوئه و آرژانتین در خصوص احداث دو کارخانه خمیر کاغذ در کرانه رودخانه اروگوئه بود. اروگوئه و آرژانتین پیش‌تر در ۱۹۷۵ برای تعیین رژیم حقوقی رودخانه، توافقی را به امضا رسانده بودند که به اساسنامه رودخانه اروگوئه معروف است. لازم بود که در فرآیند صدور مجوز ساخت کارخانه‌ها، تعهدات شکلی و ماهوی ناشی از اساسنامه رعایت شود. اروگوئه با وجود اینکه ارزیابی اثرات زیست‌محیطی کارخانه‌ها را انجام داده بود، به دلیل عدم اهتمام کافی به اطلاع‌رسانی در این خصوص مورد اعتراض آرژانتین قرار گرفت. دیوان در رأی خود در این زمینه مداوماً بر لزوم برقراری تعادل بین توسعه اقتصادی و حفظ محیط‌زیست تأکید می‌کند و اساسنامه ۱۹۷۵ و به‌طور خاص ماده ۲۷ آن را در تطابق با جوهره توسعه پایدار و لازم‌الرعایه می‌داند. در نهایت، دیوان با عرفی قلمداد کردن اصول زیست‌محیطی و ارجاع به آن که از اصول توسعه پایدار محسوب می‌شود، اروگوئه را مسئول عدم رعایت تعهدات شکلی مندرج در اساسنامه دانست.^{۶۵}

اما در داوری قضیه راه‌آهن راین، دیوان دائمی داوری به‌صورت قوی‌تری از توسعه پایدار دفاع کرد. در این پرونده، موضوع استفاده مجدد از خط‌آهن راین توسط دو کشور بلژیک و هلند مورد توافق طرفین بود. صرفاً مسئله ارزیابی اثرات زیست‌محیطی راه‌اندازی مجدد راه‌آهن و نحوه تأمین هزینه‌های قابل توجه آن به‌عنوان اختلاف مطرح شد. ذیل رسیدگی مزبور، دیوان بر لزوم توجه به تبعات فعالیت‌های اقتصادی بر توسعه پایدار تأکید کرد. دیوان بر این عقیده بود که حقوق بین‌الملل امروز، اتحاد و یکپارچه‌سازی معیارهای زیست‌محیطی در طراحی و اجرای اقدامات مربوط به توسعه اقتصادی را ایجاب می‌کند. دیوان ضمن بیان نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی گابچیکوو-ناگیماروس اعلام کرد همان استدلال عیناً در قضیه حاضر قابل اجرا است.^{۶۶}

به‌طور کلی داوری بین‌المللی در شناسایی و کاربرد مضمون توسعه در آرای خود، بسیار

64. International Court of Justice, Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, 25 September 1997, para. 140.

65. در خصوص تعهدات ماهوی، دیوان بر این عقیده است که آرژانتین نتوانسته دلایل کافی برای اثبات ادعای خود در مورد نقض این دسته از تعهدات ارائه کند.

66. Permanent Court of Arbitration, Arbitration Award regarding the Iron Rhine ('Ijzeren Rijn') Railway Case, (the Kingdom of Belgium and the Kingdom of the Netherlands), 27 RIAA, 2005, para. 59.

جسورانه‌تر از دیوان بین‌المللی دادگستری عمل کرده است. هرچند این پیشگامی تا حد زیادی مرهون درج فزاینده تعهد به توسعه پایدار در موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری است، این اعتقاد نیز قابل توجه است که حتی در صورتی که موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری، لزوم التزام به توسعه را مطرح نکرده باشد هم این تعهد در ذات قبول سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد. ایکسید در قضیه فدکس علیه ونزوئلا چند معیار برای تشخیص سرمایه‌گذاری در نظر گرفته که توسعه از جمله آن‌ها است.^{۶۷} دیدگاه مشابهی در پرونده سالینی علیه مراکش نیز تصریح شد.^{۶۸}

در قضیه منع واردات میگو، رکن تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی نیز استفاده از توسعه پایدار را به عنوان هدف موافقت‌نامه گات ۱۹۹۴ برای حل اختلافات در این نهاد لازم شمرد. این پرونده راجع به ممنوعیت وضع شده از سوی ایالات متحده بر واردات نوع خاصی از میگو و فرآورده‌های میگو از هند، مالزی، پاکستان و تایلند بود زیرا به گونه‌ای صید می‌شد که بقای لاک‌پشت‌های دریایی را به خطر می‌انداخت. مقرر ایالات متحده توسط دولت‌های مزبور به چالش کشیده شد و در ابتدا رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی اعلام کرد که ممنوعیت وضع شده، خلاف موافقت‌نامه گات است. ایالات متحده تقاضای استیناف و تلاش کرد با استناد به بند (ز) ماده ۲۰ گات اقدام خود را توجیه کند. این ماده، استثنائی بر قواعد گات در ارتباط با حفظ منابع طبیعی در نظر می‌گیرد. رکن تجدیدنظر در تلاش برای تصمیم‌گیری در این رابطه از محتوای توسعه پایدار کمک گرفت و با استناد به آن، اقدام ایالات متحده را قابل توجیه قلمداد کرد. این نهاد به این مسئله توجه می‌دهد که بند (ز) ماده ۲۰ باید در پرتو دغدغه‌های معاصر جامعه ملل درباره حفظ و نگهداری محیط‌زیست دیده شود. همچنین با ارجاع به مقدمه موافقت‌نامه ۱۹۹۴ اعلام کرد که امضاکنندگان این سند کاملاً از اهمیت حفاظت از محیط‌زیست آگاه بودند و مقدمه به هدف توسعه پایدار توجه دارد. هرچند رکن تجدیدنظر در نهایت، نوع اقدام ایالات متحده نسبت به این دول خاص را تبعیض‌آمیز تلقی کرد، این موضوع را پذیرفت که استفاده بهینه از منابع جهان باید در راستای هدف توسعه پایدار صورت گیرد و با توجه به مقدمه گات، توسعه پایدار باید در تفسیر موافقت‌نامه‌های ضمیمه موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی لحاظ شود.^{۶۹} این رویکرد درباره التزام سازمان به توسعه پایدار در قالب دکترین نیز مطرح شده است که «سازمان خود را مکلف به رعایت اصولی می‌داند که در جامعه بین‌المللی به آن درجه رسیده‌اند که به باوری جمعی تکیه زده

67. ICSID, Fedax N.V. v. The Republic of Venezuela, Case No. ARB/96/3, Decision of the Tribunal on Objections to Jurisdiction, 11 Jul 1997, para. 43.

68. ICSID, Salini Costruttori SpA and Italstrade SpA v. Kingdom of Morocco, Case No. ARB/00/4, Decision on Jurisdiction, 23 July 2001, para 52.

69. Appellate Body of WTO, United States - Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products, 1998, para. 186.

و اعتباری برای خود فراهم کرده باشند».^{۷۰}

بنابراین، قضات و داوران بین‌المللی به توسعه پایدار در تصمیماتشان استناد کرده و لزوم پایداری دولت‌ها به آن را متذکر شده‌اند. هرچند به جهت دغدغه غالب چنین نهادهایی برای دریافت پذیرش عمومی، صراحتاً در این تصمیمات از تعهد دولت‌ها به تحقق توسعه پایدار تحت عنوان عرف بین‌المللی یاد نشده، به هر روی این تعهد شناسایی شده و پیرو آن رویه‌ای در «استناد گسترده دادگاه‌ها، کشورها، سازمان‌ها و دکتترین داخلی و بین‌المللی» شکل گرفته که در توسعه حقوق بین‌الملل نقش بسزایی داشته است.^{۷۱}

نتیجه

توسعه پایدار به‌عنوان هدف می‌تواند تعهداتی را بر دولت‌ها بار کند؛ شاخص‌های قابل اندازه‌گیری دارد و دولت‌ها در مورد عملکرد خود در ایفای چنین تعهدی به مجامع بین‌المللی گزارش می‌دهند. همه این موارد، حاکی از ارتقای جایگاه توسعه به سطحی بسیار فراتر از قاعده اخلاقی و صرف ترتیب‌دادن بستری جهت انجام نوعی خیریه در سطح جهانی است. توسعه پایدار، خلأ قواعد موجود، حداقل در حوزه مشخصی را مرتفع ساخته، در تفسیر، ایجاد و اجرای قواعد دخیل است و حتی در حداقلی‌ترین نوع نگاه، در صورت اعتقاد به فقدان تعهد نیز دولت‌ها را به خودمحدودسازی واداشته است. توسعه پایدار، تنها منحصر به کشورهای درحال توسعه نشده، بلکه در شمایی تعدیل شده با درک تفاوت‌های موجود، نیازهای کشورهای توسعه‌یافته را نیز احصا کرده است چرا که پایداری توسعه، صرفاً با جامعیت در محتوا و مشارکت همگان قابل تضمین است.

از حیث ماهیت به‌طور کلی، بنا بر محتوای قواعد توسعه، برخی حقوق‌دانان آن را حق الزامی تضمین شده برای مردم می‌شناسند که «بر شالوده‌های مستحکم حقوق پوزیتیویستی بین‌المللی استوار است؛ هرچند گرایش شدید اجزای آن به حل کلیه مشکلات این دنیا، آن را مستعد این اتهام می‌کند که همچنان حقوق نرم یا بخشی از حقوق آرمانی بماند».^{۷۲}

با این حال، بر اساس محتوای گزارش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل، توسعه پایدار، مصداق روشن یک اصل حقوق بین‌الملل است. در واقع، توسعه پایدار، یک اصل حقوق بین‌الملل است و امروزه دکتترین در سطح وسیع این رویکرد را تأیید می‌کند.

۷۰. شهبازی، آرامش؛ «توسعه پایدار یا پایداری توسعه در حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۲۷، شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۳۸

۷۱. عزیزی و موسوی؛ همان، ص ۱۲۹.

72. Villaroman, Noel G., "An Alternative View of the Right to Development", *Netherlands Quarterly of Human Rights*, Vol. 29, No. 1, 2011, p. 53.

اما علاوه بر این، در حال حاضر، عملکرد هماهنگ و فراگیری از سوی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در راستای تحقق توسعه پایدار در حال شکل‌گیری است. دولت‌ها در قالب قوانین و سیاست‌های اتخاذی در سطح داخلی و در قالب ارائه گزارش به سازمان‌های بین‌المللی درباره تلاش‌های خود برای تحقق توسعه پایدار، همکاری، تدوین و تأیید قواعد و ... در سطح بین‌المللی در حال فعالیت برای تحقق توسعه پایدار هستند. همچنین اعتقاد حقوقی یا باور جمعی نسبت به حقانیت توسعه پایدار در قالب پذیرش یا توافق بر شکل‌گیری اسناد متعدد و نیز رویه دیوان‌ها یا محاکم بین‌المللی و حتی دکترین که در موارد مقتضی به آن اشاره شد، می‌تواند قابل احراز تلقی شود.

بنابراین توسعه پایدار ذاتاً یک اصل حقوق بین‌الملل است اما این امر مانع از شکل‌گیری قاعده معاهداتی یا عرفی در همین زمینه نخواهد شد؛ چنان‌که در حال حاضر، لزوم رعایت توسعه پایدار در معاهدات مختلفی مورد توجه قرار گرفته و می‌توان تعهد به تحقق توسعه پایدار را در حال تبدیل شدن به قاعده عرفی حقوق بین‌الملل تلقی کرد.

واقعیت این است که در معنای عام، امروزه بسیار از توسعه پایدار بحث می‌شود اما این گشاده‌دستی در استفاده از عنوان توسعه پایدار در مباحث علمی و حقوقی هنوز نتوانسته به رفع ابهام درباره جایگاه هنجاری توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل بینجامد. در این پژوهش تلاش شد با شناسایی ابعاد حقوقی توسعه پایدار، ماهیت این تعهد تحلیل شود. در مجموع به‌صراحت می‌توان گفت که خصوصیات توسعه پایدار با ویژگی‌های شناخته‌شده برای اصول حقوق بین‌الملل قابل انطباق است. در عین حال، رویه عملی فراگیر و قدرتمندی برای تحقق توسعه پایدار در سطح جهانی مشاهده می‌شود که نمی‌توان وجود آن را انکار کرد. همچنین در قالب معاهدات، حقوق نرم، دکترین و رویه قضایی به توسعه پایدار اشاره و استناد شده است که می‌توان از این موارد برای احراز اعتقاد به الزام حقوقی استفاده کرد. با این حال، گاه در قالب دکترین، برخی حقوق دانان با الزامی بودن توسعه پایدار مخالفت ورزیده‌اند یا در رویه نهادهای حقوقی به‌ندرت به عرفی بودن تعهد به توسعه پایدار تصریح شده است و این امر می‌تواند موجب شود در احراز عنصر معنوی عرف، تشکیک‌هایی به وجود آید، اما این نهاد حقوقی همچنان موضوعی نوین در عالم حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. هرچند تا اینجا جامعه جهانی پیشرفت قابل‌تأملی در شناسایی تعهد به توسعه پایدار داشته، ظرفیت قابل‌توجهی نیز وجود دارد که این تعهد در گذر زمان ابعاد بسیار متکامل‌تری را تجربه کند.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

- ژانرو، مونیک شمیلیه؛ بشریت و حاکمیت‌ها: سیری در حقوق بین‌الملل، ترجمه: مرتضی کلانتریان، آگاه، ۱۳۸۲.
- عسکری، پوریا؛ حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در رویه داورى بین‌المللی، شهر دانش، ۱۳۹۴.
- فلسفی، هدایت‌الله؛ صلح جاویدان و حکومت قانون: دیالکتیک همانندی و تفاوت، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۰.

- مقاله

- اسلامی، رضا و مهشید آجلی لاهیجی؛ «چالش‌های توسعه اجتماعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۴، پاییز ۱۳۹۵.
- شمساتی، محمد؛ «حقوق بین‌الملل اقتصادی و اصل توسعه پایدار»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۸، شماره ۱۹، بهار ۱۳۸۵.
- شهبازی، آرامش؛ «توسعه پایدار یا پایداری توسعه در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۲۷، شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- عزیزی، ستار و سیدمهدی موسوی؛ «پرونده گابچیکوو - ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال سی‌وسوم، شماره ۵۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.

ب. انگلیسی

- Books

- Alvarez, José E., International Organizations as Law-makers, Oxford University Press, New York, 2005.
- Voigt, Christina, Sustainable Development as a Principle of International Law, Boston: Martinus Nijhoff Publishers, 2009.

- Articles

- Aseeva, Anna “(Un)Sustainable Development(s) in International Economic Law: A Quest for Sustainability”, Sustainability, Vol. 10, 2018

-
- Barral, Virginie, “Sustainable Development in International Law: Nature and Operation of an Evaluative Legal Norm”, *European Journal of International Law*, Vol. 23, No. 2, 2012.
 - Bexell, Magdalena and Josson, Kristina, “Country Reporting on the Sustainable Development Goals—The Politics of Performance Review at the Global-National Nexus”, *Journal of Human Development and Capabilities*, Vol. 20, 2019.
 - Cohen, Harlan Grant, “Finding International Law: Rethinking the Doctrine of Sources”, *Iowa Law Review*, Vol. 93, 2007.
 - French, Duncan, “International guidelines and principles”, in: A. F. Munir Maniruzzaman, Aaron Schwabach, Arthur John Cockfield, A. Dan Tarlock, John C. Dernbach and Gabriela Maria Kutting (eds.), *International Sustainable Development Law*, EOLSS/UNESCO, Vol. 3, 2010.
 - Fues, Thomas, Dongyan, Li and Vatterodt, Martina, “The Role of the United Nations in the Global Development Architecture: Steps towards Greater Coherence”, *Annual Meeting 2007 of the Academic Council on the United Nations System (ACUNS)*, June 6-8, 2007.
 - Harris, Jonathan M., "Basic Principles of Sustainable Development", *Global Development Institute, Working Paper 00-04*, 2000
 - Hukkinen, Janne, “Sustainability Scenarios As Interpretive Frameworks for Indicators of Human-Environment Interaction”, In: P. Lawn (ed.), *Sustainable Development Indicators in Ecological Economics*, Edward Elgar, 2006.
 - Izzo, Maria Federica, Ciaburr, Mirella and Tiscini, Riccardo, “The Challenge of Sustainable Development Goal Reporting: The First Evidence from Italian Listed Companies”, *Sustainability*, Vol. 12, 2020.
 - Lowe, Vaughan, “Sustainable Development and Unsustainable Arguments”, in: A. Boyle and D. Freestone (eds.), *International Law and Sustainable Development: Past Achievements and Future Challenges*, 1999.

-
- Safonov, George and Piskulova, Natalya, “Sustainable Development and International Cooperation”, In: Victor I. Danilov-Danilyan and Natalia A. Piskulova (eds.), *New Challenges in Sustainable Development for Russia and the World*, Cambridge Scholars Publishing, 2018.
 - Sands, Philippe, “International Law in the Field of Sustainable Development”, in: *British Yearbook of International Law*, Vol. 65, 1994.
 - Schrijver, Nico, “A New Convention on the Human Right to Development: Putting the Cart before the Horse?”, *Netherlands Quarterly of Human Rights*, Vol. 38, No. 2, 2020.
 - Verschuuren, Jonathan, “Sustainable Development and the Nature of Environmental Legal Principles”, *Potchefstroom Electronic Law Journal*, Vol. 9, 2006.
 - Viana, Virgilio M., "Sustainable Development in Practice: Lessons Learned from Amazonas", *International Institute for Environment and Development*, 2010.
 - Villaroman, Noel G., “An Alternative View of the Right to Development”, *Netherlands Quarterly of Human Rights*, Vol. 29, No. 1, 2011.
 - Wang, Tieya, “The Third World and International Law”, in: *Selected Articles from Chinese Yearbook of International Law*, Beijing, 1983.
 - Williams, Carmel and Blaiklock, Alison, “Human Rights Discourse in the Sustainable Development Agenda Avoids Obligations and Entitlements; Comment on (Rights Language in the Sustainable Development Agenda: Has Right to Health Discourse and Norms Shaped Health Goals?)”, *International Journal of Health Policy and Management*, Vol. 5, 2016.
- International Instruments**
- Appellate Body of WTO, *United States - Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products*, 1998
 - Brundtland Commission, *Our Common Future*, Report of the World Commission on Environment and Development, 1987
 - European Union, *The Charter of Fundamental Rights of the*

European Union, 2000

- Heads of State and Government of the Americas, Declaration of Santa Cruz de la Sierra, 1996
- ICSID Fedax N.V. v. The Republic of Venezuela, Case No. ARB/96/3, Decision of the Tribunal on Objections to Jurisdiction, 11 Jul 1997.
- ICSID Salini Costruttori SpA and Italstrade SpA v. Kingdom of Morocco, Case No. ARB/00/4, Decision on Jurisdiction, 23 July 2001.
- International Court of Justice, Case concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, 25 September 1997.
- International Court of Justice, Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, 2010.
- International Court of Justice, South West Africa Cases (Liberia v. South Africa; Ethiopia v. South Africa), Judgment, 18 July 1966, para. 57.
- International Law Commission, First report on general principles of law, A/CN.4/732, 5 April 2019.
- International Law Commission, Second report on general principles of law, A/CN.4/741, 9 April 2020.
- Marrakesh Agreement Establishing the World Trade Organization, Uruguay Round agreements, Marrakesh, 1994.
- OECD, Good practices in the national sustainable development strategies of OECD countries, 2006.
- Permanent Court of Arbitration, Arbitration Award regarding the Iron Rhine ('Ijzeren Rijn') Railway Case, (the Kingdom of Belgium and the Kingdom of the Netherlands), 27 RIAA, 2005.
- United Nations General Assembly (1974a), Charter of Economic Rights and Duties of States, A/RES/29/3281.
- United Nations General Assembly, Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, A/RES/39/46, 10 December 1984.
- United Nations General Assembly, Convention on the

Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, A/RES/3/260, 9 December 1948.

- United Nations General Assembly, Declaration on the Establishment of a New International Economic Order, A/RES/S-6/3201, 1 May 1974.
- United Nations General Assembly, Declaration on the Right to Development, A/RES/41/128, 4 December 1986.
- United Nations General Assembly, Identification of customary international law, A/RES/73/203, 2019.
- United Nations General Assembly, Repositioning of the United Nations development system in the context of the quadrennial comprehensive policy review of operational activities for development of the United Nations system, A/RES/72/279, 2018.
- United Nations General Assembly, Transforming Our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development, A/RES/70/1, 2015.
- United Nations, A/HRC/WG.2/21/2/Add.1, 20 January 2020.
- United Nations, Conference on Environment and Development (UNCED), Rio de Janeiro, 3 - 14 June 1992.
- United Nations, Conference on Environment and Development, agenda 21, 1992
- United Nations, Conference on Sustainable Development, A/CONF.216/16, Rio de Janeiro, Brazil, 20 - 22 June 2012.
- United Nations, Draft conclusions on identification of customary international law, with commentaries, 2018.
- United Nations, Financing for Sustainable Development report, Report of the Inter-agency Task Force on Financing for Development, 2020.
- United Nations, Sustainable Development Goals Report, 2020